

آغاز پر تنش یک مأموریت پر تعالی یک چالش بی‌پایان

ریکاردو ساپینتو، مربی پرجنب‌و‌جوش پرتغالی، درست مثل یک جنگجو وارد تهران شد اما خیلی زود فهمید نبرد او فقط داخل زمین نیست بلکه از همان لحظه ورود، با مشکلاتی روبه‌رو است که هر کدام به تنهایی می‌تواند یک پروژه را به شکست بکشاند.

■ **سوپرجام: نخستین زخم**

تنها چند هفته تا دیدار سوپر جام با تراکتور باقی مانده و استقلال هیچ شب و روزی برای تلف کردن ندارد. سوپر جام، شاید در تقویم مسابقات یک بازی ساده به نظر برسد اما واقعیت این است که نخستین قضاوت هواداران و رسانه‌ها روی همین بازی استوار می‌شود. ساپینتو باید در مدت کوتاه، ایده‌های پیچیده پرتغالی‌اش را در ذهن بازیکنان جا بیندازد و در عین حال، تیمی بسازد که ن‌تنها زیبا بازی کند، بلکه جام بگیرد.

این فشار، برای هر مربی خارجی تازه‌واردی، شبیه عبور از یک زمین مین‌گذاری کامل است. یک اشتباه کوچک، یعنی سقوط در چاه انتقادات و سکوهایی که هیچ وقت رحم نمی‌کنند.

■ **ترکیب پر از تضاد**

استقلال ترکیبی از ستاره‌های کهنه‌کار و جوان‌های گرسنه دارد. بازیکنانی مثل چشمی، حسینی و رضاییان، با همه تجربیات و شخصیت‌های متفاوت‌شان، در کنار پسرانی که تازه نخستین بار بوی لیگ برتر را حس می‌کنند، مثل قلی‌زاده، قرار گرفته‌اند.

هماهنگ کردن این نسل‌ها، ساختن داخل رختکن و پیدا کردن تعادل بین تجربه و انرژی، از بزرگ‌ترین مأموریت‌های ساپینتو است. در فوتبال ایران، کم‌ندیده‌ایم بازیکنان بزرگ، به جای رهبر بودن، تبدیل به چالش درونی شده‌اند و جو تیم را مسموم کرده‌اند. ساپینتو باید یاد بگیرد چطور در این محیط پر حاشیه، رهبر واقعی باشد.

■ **بازار نقل‌وانتقالات؛ بازی از دست رفته؟**

استقلال، برخلاف وعده‌های همیشگی، هنوز نتوانسته خریدهای در خور و با کیفیت داشته باشد. نقل‌وانتقالات شلوغ و پر حاشیه بود اما محصول نهایی، تیمی نیست که هواداران انتظارش را می‌کشیدند.

بازیکنان تازه‌وارد که چند روز پیش از اردوی اصلی به جمع تیم اضافه شدند، زمان زیادی برای وفق پیدا کردن با سبک بازی ساپینتو نداشتند. شاید ساپینتو در ذهنش یک تیم ایده‌آل داشته باشد اما روی زمین، مهره‌هایی دارد که هنوز خودشان را نشناخته‌اند.

■ **فشار دگی و خطر مصدومیت**

بعد از سوپر جام، استقلال فقط چند روز فرصت دارد تا خودش را برای لیگ برتر، آن هم در دورهای سخت و فشرده آماده کند. چنین فشاری یعنی احتمال آسیب‌دیدگی بالا می‌رود و هر مصدومیت، مثل یک زنجیره دومینویی می‌تواند کل برنامه تیم را به هم بریزد.

در این شرایط، نیاز به بدنسازی دقیق، مدیریت تمرینات و ریکواری علاقه‌ان، از اولویت‌های اصلی است. اشتباه در این بخش، ممکن است باعث شود بازیکنان کلیدی، بازی‌های حساس اول فصل را از دست بدهند؛ همان مسابقاتی که می‌تواند مسیر تیم را در ادامه فصل هموار کند.

■ **روان‌درمانی در قلب تهران**

ساپینتو نه فقط باید تاکنیک بدهد، بلکه باید روانشناس هم باشد. هواداران استقلال، همیشه در شروع فصل، یک انتظار سده‌ا اما سنگین دارند: قهرمانی. اگر در نخستین قدم، یک لغزش اتفاق بیفتد، فشار سکوها، رسانه‌ها و فضای مجازی، باافاصله به یک توفان بزرگ تبدیل می‌شود. او باید بازیکنانش را طوری آماده کند که به جای فکر کردن به نقدنها، به پروژهای بزرگ‌تر فکر کنند. تیمی که از نظر روانی شکننده باشد، شانس چندانی برای رقابت جدی ندارد.

■ **مأموریت غیرممکن یا چالش جذاب؟**

همه اینها یعنی ساپینتو با یک مأموریت تقریباً غیرممکن روبه‌رو است. او باید تیمی بی‌روح را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به یک گروه پر شور تبدیل کند، بدون خریدهای دلخواه، بدون زمان کافی و زیر بار گبار نگاه‌ا.

اما شاید این همان چیزی است که ساپینتو را زنده نگه می‌دارد. یک مبارزه تمام‌عیار، بدون حاشیه امن، درست همان جایی که مردان واقعی از مریان معمولی تشخیص داده می‌شوند. اگر او بتواند از این گرداب عبور کند، بی‌تردید در تاریخ استقلال یک جایگاه ماندگار خواهد یافت.

خبر

دبیر: مگر می‌شود در برابر جنایات رژیم صهیونیستی ساکت ماند؟

رئیس فدراسیون کشتی گفت: شبکه صهیونیستی اینترنشنال مرا تهدید کرد درباره جنایات رژیم‌اشغالگر سکوت کنم. علیرضا دبیر در حاشیه مراسم رونمایی از انیمیشن کشتی‌گیر، اظهار کرد: در مراسم مرد سال همیشه گفتیم از سازمان صداوسیما گله داریم اما نهایتاً از آنها تشکر می‌کنم چون صداوسیما خود ما است. بی‌بی‌سی و اینترنشنال در زمین دشمن بازی می‌کنند و منافقند پس باید حواس‌مان باشد. وی با اشاره به اینکه شبکه صهیونیستی اینترنشنال کثیف است، گفت: ۶ سال است جلوی آنها را در کشتی گرفته‌ام، مرا زده‌اند اما در این وقایع مشخص شد دشمن ما بوده و هستند. اخیراً مرا تهدید کردند سکوت کن و درباره جنایات اسرائیل حرفی نزن، مگر می‌شود فقط پست «وطن تسلیت» بگذاریم و هیچ نگوئیم؟ باید تحلیل داشته باشیم و سکوت نکنیم. ما همگی داغدار این بچه‌های شهیدمان هستیم و باید یادمان باشد ۱۱۰۰ نفر شهید شده‌اند. دبیر یادآور شد: اتفاق بزرگی رخ داده، کشتی ورزش ملی و مذهبی ماست. کشتی محل وفاق است، نه نفاق. بهره کشتی برای مردم ایران با قومیت‌های مختلف است. صداوسیما جای درستی دست گذاشت و ان‌شاءالله فصل‌های بعد انیمیشن کشتی‌گیر، ۳ بعدی باشد، چون این دو بعدی است و در عین دو بعدی بودن، فن کمر و گنده را بخوبی نشان داده است. اخلاقی برای ما و کشتی خیلی مهم است که این مساله در انیمیشن بخوبی رعایت شده. مردم ما ورزشکار بی‌دین، بی‌اخلاقی و سیاه‌کار نمی‌خواهند.

بررسی لیست فوتبالیست‌هایی که هنوز تکلیف‌شان

برای فصل بعد مشخص نشده‌است

بی‌مشتري



چمن تختی تهران، عاشق‌ه مق زمین‌های فرانسه یا سرمای روسیه است. او می‌خواهد ثابت کند فوتبال ایران فقط در قاب داخلی خلاصه نمی‌شود. شاید بزودی عکسش در یک روزنامه فرانسوی، زیر تیتُر «پدیده ایرانی» منتشر شود.

■ **بقیه در صف انتظار؛ پایان نااملوم**

علاوه بر این چهره‌های پرسروصدا، نام‌های دیگری هم در صف بال‌تکلیفی‌اند. فرشید اسماعیلی، داریوش شجاعیان، آر‌شا شکوری، هادی محمدی و چند بازیکن دیگر، هر روز با یک تیتُر جدید و یک تیم تازه معرفی می‌شوند. اسماعیلی هنوز همان نابغه خاموش است، شجاعیان بسا خاطرات مصدومیت‌های پی‌درپی می‌جنگد، شکوری در سایه‌ای ساکت و مرموز مانده و محمدی هر روز در رادار یک تیم تازه دیده می‌شود. این اسامی شاید کمتر از غندی پور یا عیسی خیرساز باشند ولی هر کدام یک بخش از پازل پیچیده این تابستانند.

امسال، نقل‌وانتقالات بیشتر از هر زمان دیگری شبیه یک حراجی شلوغ است. وعده‌های ده‌ها میلیاردی، آپشن‌های عجیب، شرط و شروط غیرفوتبالی و چک‌های پرحاشیه، فوتبال ایران را از یک رقابت ورزشی به یک بازار پرسروصدا تبدیل کرده.

در این بازار شلوغ، هوادار بیش از همه ضربه می‌خورد. او هر روز با اشتیاق، گوشی به دست، دنبال یک خبر خوش می‌گردد اما در آخر شب فقط فهرستی از شایعه و شاید و اگر، نصیص می‌شود.

این فصل، بی‌سرانجام است؛ فصلی که ستاره‌ها در مه پیشنهادها گم شده‌اند و هر لحظه ممکن است یکی غیب و دیگری از خاکستر بلند شود. در این گرداب، شاید فقط عشق هوادار، بی‌هیاهو و بی‌ریا، پابرجا بماند.

رقابت سنگین ایرانی‌ها برای شکار ستاره آسیایی

دوئل در تاشکند

در بنیادکار یا ورود به لیگ پرهیجان ایران، آن‌هم با پیراهن قرمز تبریز یا آبی تهران. از یک طرف، تراکتور با جو پرشور و هواداران خستگی‌ناپذیر و از طرف دیگر استقلال، با تاریخچه سنگین و عطش همیشگی برای قهرمانی. هافبک ازبک می‌داند ورود به ایران، یعنی قرار گرفتن در کانون توجه میلیون‌ها هوادار و رسانه‌هایی که هر حرکتش را زیر ذره‌بین می‌برند. او برای حضور در لیگ برتر، باید هم از نظر ذهنی آماده باشد و هم از نظر بدنی در اوج بماند.

■ **جنگ رسانه‌ای و پشت پرده**

در همین حال، مدیران ۲ باشگاه ایرانی پشت پرده در حال رایزنی و حتی بالا بردن رقم پیشنهادها هستند. جنگی پنهان میان تراکتور و استقلال آغاز شده تا شاید در آخر، نام خامروبنک روی شناسنامه یکی از این ۲ تیم بخورد. بازیکنی که در ازبکستان یک قهرمان محسوب می‌شود، حالا قرار است یکی از داغ‌ترین برگ‌های پرونده نقل‌وانتقالات فوتبال ایران را رقم بزنند.

امسال نقل‌وانتقالات فقط خرید و فروش بازیکن نیست؛ یک میدان جنگ واقعی است. هر باشگاه سعی می‌کند مهره طلایی خودش را به دست بیاورد تا بعد از زمین بازی، حریف را کیش و مات کند. خامروبنک هم حالا به شرطی‌نخ‌ترین قطعه این جدول تبدیل شده است. این داستان، تازه شروع شده و معلوم نیست برنده نهایی این دوئل ازبکی چه تیمی خواهد بود. هواداران هم، هر صبح با هیجان شایعات جدید را می‌خوانند و هر شب خواب ستاره‌ای را می‌بینند که شاید فردا یا پیراهن تیم محبوب‌شان عکس بگیرد.

■ **انتخاب سرنوشت‌ساز**

برای خامروبنک، پیشنهادها از ایران یک دوراهی جدی است؛ ماندن

بازار نقل‌وانتقالات فوتبال ایران هر روز داغ‌تر از قبل می‌شود. این روزها هر شایعه‌ای ممکن است تا غروب همان روز به یک قرارداد واقعی تبدیل شود. حالا نوبت به یکی از ستاره‌های چشم‌بادامی رسیده؛ اودیلمجون خامروبنک. هافبک ملی‌پوش ازبک که ۲ گول برهوادر ایران، استقلال و تراکتور، او را زیر ذره‌بین گرفته‌اند.

■ **مرد ۱۰۰۰ نبرد**

خامروبنک بازیکنی نیست که اسمش فقط روی کاغذ قشنگ باشد. این هافبک ۲۹ ساله که سال‌ها در فوتبال ازبکستان نفس کشیده، تجربه‌ای به وسعت تمام زمین دارد. او سابقه بازی در نسف قارشی، پاختاکور (۲ مقطع)، الاهلی امارات و نوپهار را در کارنامه‌اش ثبت کرده و حالا در بنیادکار توپ می‌زند و قراردادش تا پایان ۲۶-۲۰۲۵ اعتبار دارد. این بازیکن ۶۲ بازی ملی برای ازبکستان انجام داده و در جام ملت‌های ۲۰۲۳ آسیا، تنها گل ملی‌اش را وارد دروازه قطر کرد تا نامش در تاریخ ثبت شود. افتخارات فقط محدود به بازی ملی نیست. در مجموع، ۶ جام قهرمانی در لیگ ازبکستان و ۲ جام دیگر در امارات، روی طاقچه افتخارات او جا خوش کرده‌اند. سال ۲۰۱۸، وقتی ازبکستان قهرمان زیر ۲۳ سال آسیا شد، او لقب MVP (ارزشمندترین بازیکن) را ربود و نامش را طلایی کرد.

■ **تراکتور؛ جانشینی به سبک دفاع**

باشگاه تراکتور تبریز همیشه عاشق بازیکنان

کریم باقری دستیار وفادار پرسپولیس

آقای ۲

مردی که فقط نظم را نگه می‌دارد و نقش فنی خاصی ندارد. از طرفی، گروهی معتقدند کریم، عاشق واقعی پرسپولیس است؛ مردی که حاضر است برای این عشق، همیشه پشت سر بایستد و فریاد نزند. او بارها نشان داده به پول یا شهرت نیاز ندارد. زمانی متهم به دریافت دستمزد بالا شد اما سکوت کرد. کسی نمی‌تواند انکار کند همان لحظه‌هایی که بازیکنان با هم درگیر می‌شوند، کریم آرام می‌آید حرف می‌زند، نگاه می‌کند و با یک حرکت سر یا یک جمله کوتاه، آتش دعوا را خاموش می‌کند.

■ **مردی برای تمام فصول**

شاید در یک فوتبال پرهیاهو، جایی برای چنین شخصیت‌هایی کم باشد اما پرسپولیس، خوش‌شانس بوده که کریم باقری را داشته. مردی که نه تنها هیچ وقت پیراهن تیم رقیب را نپوشد، بلکه هرگز حاضر نشد به خاطر پست و مقام، باشگاه محبوبش را رها کند.

شاید روزی هواداران بخواهند او را در قامت «شماره یک» ببینند اما او فعلاً همان شماره ۲ دوست‌داشتنی می‌ماند؛ بی‌ادعا، عاشق و همیشه آماده برای یک ایستادن آرام پشت سر نفر اصلی.

بدون آنکه پرسپولیس را ترک کند، دستیار سرمربی وقت تیم ملی شد و نقش یک پل ارتباطی آرام و موثر را بازی کرد. اسکو حتی بعدتر می‌خواست او را به تراکتور ببرد اما کریم باز هم سرسختی نشان داد و در پرسپولیس ماند. این ماندن، شبیه یک اعتراف عاشقانه به یک باشگاه بود. شاید هر مربی دیگری برای نشستن روی نیمکت اصلی وسوسه می‌شد اما کریم انگار فرمولی متفاوت در ذهن دارد: «همیشه باش اما نه در مرکز توجه».

■ **پرافتخار و بی‌ادعا**

وقتی کارنامه او را مرور می‌کنی، تازه عظمتش را می‌فهمی. ۶ قهرمانی لیگ برتر، ۵ سوپر جام، ۲ جام حذفی و ۲ نایب‌قهرمانی آسیا؛ همه اینها در حالی است که هرگز نفر اول نبوده. این افتخارات نشان می‌دهد شماره ۲ بودن، به معنای کم‌اهمیت بودن نیست. گاهی حتی سنگین‌ترین بارها، روی شانه همان مردان ساکت پشت صحنه است.

■ **ناظم یا عاشق؟**

اما جایگاه خاص کریم باقری، او را از اتهام و حاشیه دور نکرده. بعضی او را «ناظم» تیم می‌دانند؛

می‌درخشید و باقری نقش همان مرد پشت صحنه را بازی می‌کرد. خیلی‌ها تصور می‌کردند پس از برانکو، زمان درخشش او به عنوان سرمربی فرا می‌رسد اما کریم از نقش اصلی گریخت و ترجیح داد در سایه بماند.

■ **۲ ابیدی**

پس از برانکو، هر چهره‌ای که روی نیمکت نشست، یک حقیقت را پذیرفت: کریم باقری باید باشد. گل محمدی، کالدرون، گاریدو و حالا هاشمیان، همه و همه دستیار وفاداری به نام کریم داشته‌اند. مردی که حوصله دعواهای فنی را نداشت اما وقتی لازم بود، ساکت‌ترین و مقتدرترین صدای رختکن می‌شد.

حتی وقتی در برهه‌ای کوتاه به‌عنوان سرمربی موقت وارد میدان شد، نشان داد اگر بخواهد، می‌تواند فرمانده اصلی باشد ولی باز هم برگشت به همان نیمکت قدیمی، به همان گوشه محبوب. انگار او عاشق همان «نیم‌قدم عقب» ایستادن است.

■ **مرد تیم ملی و پیشنهادهای ردشده**

حضور او در تیم ملی در دوران دراگان اسکوچیچ، یک بُعد دیگر از شخصیت باقری را آشکار کرد. او

^[1] او می‌خواهد ثابت کند فوتبال ایران فقط در قاب داخلی خلاصه نمی‌شود

^[2] او می‌خواهد ثابت کند فوتبال ایران فقط در قاب داخلی خلاصه نمی‌شود

^[3] او می‌خواهد ثابت کند فوتبال ایران فقط در قاب داخلی خلاصه نمی‌شود